

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل			
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه

## اسرار لیلۃ‌القدر در آینه‌ی سوره‌ی قدر (۳)

### «فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»

همانطور که گفتیم، یکی از معانی این آیه این است که ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم. یکی از اهل معرفت به معنای لطیف دیگری از این آیه توجه کرده است و می‌گوید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» یعنی **فِي شَأْنِ لَيْلَةِ الْقَدْرِ**؛ ما اصلاً قرآن را در شأن لیلۃ‌القدر نازل کردیم؛ تا لیلۃ‌القدر را به شما بشناسانیم. یعنی موضوعی که قرآن در آن موضوع نازل شده، لیلۃ‌القدر است. اصلاً ما برای بیان و معرفی لیلۃ‌القدر قرآن را نازل کردیم. پس شب قدر چه چیز عظیمی است!؟

اینکه اسم این شب را قدر گذاشته‌اند، مفسرین احتمال‌های مختلفی داده‌اند.

۱. مفسرین گفته‌اند یکی از دلایل آن ممکن است این باشد که قرآنی که صاحب قدر و منزلت است، توسط مَلْکِی که صاحب قدر و منزلت است، یعنی جبرئیل، بر رسولی که صاحب قدر و منزلت است، یعنی پیامبر اسلام ﷺ، و برای امتی که صاحب قدر و منزلت است، یعنی امت اسلامی، نازل شده است. لذا شبی که در آن قرآن صاحب قدر، توسط مَلْکِ صاحب قدر، به رسول صاحب قدر، برای امت صاحب قدر نازل شده است، لیلۃ‌القدر است، یعنی شبی بسیار ارزشمند.

۲. احتمال دیگری که داده‌اند این است که چون در این شب، مقدرات خلق رقم می‌خورد؛ اندازه‌ی امور و ارزاق و آجال و عمرهای مردم مشخص و تقدیر می‌شود، نام این شب را لیلۃ‌القدر، یعنی شب تقدیر و تعیین شدن مقدرات گذاشته‌اند.

۳. احتمال دیگری که داده‌اند این است که در لیلۃ‌القدر ملائکه نازل می‌شوند. «تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَ

الرُّوحِ». به قدری ملائکه نازل می‌شوند که در اثر ازدحام ملائکه، فضای عالم تنگ می‌شود. یکی از معانی قَدْر تنگ شدن است. تقدیر معیشت یعنی تنگ شدن معیشت: «إِنَّ رَبَّكَ يَسْطُرُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ»<sup>۱</sup> بی‌تردید پروردگار تو برای هر که بخواهد روزی را گشایش می‌دهد یا تنگ می‌کند. بنابراین یکی از وجوه تسمیه‌ی لیلۃ‌القدر این است که در این شب بر اثر ازدحام ملائکه، فضای عالم تنگ می‌شود. تنزل ملائکه یک‌وقت به عالم مثال است با صُور مثالیّه، در آن صورت، فضای عالم ملکوت یعنی ارض ملکوت تنگ می‌شود. یک‌وقت هم به صورت مُلکی تمثّل پیدا می‌کنند که ارض عالم مُلک تنگ می‌شود. در هر دو صورت، قَدْر می‌تواند معنای تنگ شدن بدهد.

### حقیقت لیل و لیلۃ‌القدر

تمام دایره‌ی وجود در قوس نزول به یک اعتبار یک لیله بیشتر نیست؛ چون در قوس نزول هرچه پایین‌تر آمد، شعاع نور هستی کمتر شد. به اعتبار دیگر هر مرتبه نسبت به مرتبه‌ی بالاتر خود لیل است؛ تاریک‌تر است. یعنی انوار هستی در هر مرتبه نسبت به مرتبه‌ی ماقبل خودش کمتر است؛ لذا نسبت به مرتبه‌ی ماقبل خود لیل است. لذا در قوس نزول لیالی داریم. هر مرتبه نسبت به مرتبه‌ی ماقبل لیل است. مقام واحدیت نسبت به مقام احدیت لیل است. عالم جبروت نسبت به مقام واحدیت

---

<sup>۱</sup> سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۳۰.

لیل است. عالم ملکوت نسبت به عالم جبروت لیل است و عالم ملک نسبت به عالم ملکوت لیل است. چون هرچه پایین تر آمد، از نور وجود کاسته شد.

در قوس صعود هرچه بالا می‌رود، هر مرتبه نسبت به مراتب مادون خود، یوم است؛ یوم القدر، یوم القيامة. چون هر مرتبه که بالا می‌رود، یک حباب برداشته می‌شود و در نتیجه، شدت نور بیشتر می‌شود؛ لذا نسبت به مرتبه‌ی مادون خودش روز (یوم) می‌شود.

پس قوس نزول لیل القدر محمدی است و قوس صعود یوم‌القیامة احمدی است. «الَّذِي سُمِّيَ فِي السَّمَاءِ بِأَحْمَدٍ وَ فِي الْأَرْضِ بِأَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ»<sup>۱</sup> لذا در قوس نزول لیل القدر محمدی است و در قوس صعود، یوم‌القیامة احمدی است؛ چون به سمت سماء و بالا می‌رود. البته سماء فقط این آسمان فیزیکی نیست. هر چیز بلند و متعالی سماء است. پس به اعتبار نزول و تعیین و تعیین یافتن، لیل القدر است و به اعتبار صعود و نفی تعیین، همان حقیقت یوم‌القیامة است.

«لَيْلَةُ الْقَدْرِ» مظهر اسم اعظم خدای متعال است. «أَلْفِ شَهْرٍ» مظهر سایر اسماء است. «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»، یعنی مظهر اسم اعظم حق بهتر از مظهر هزار اسم دیگر اوست. این هزار به معنی عددی بعد از نهصدونودونه نیست. الف یا هزار، عدد کامل است و عدد کامل اشاره به کثرت دارد؛ نه هزاری که هزارویک را دربر نمی‌گیرد؛ یعنی همه‌ی اسماء‌الله. اگر روایاتی را به یاد بیاورید که می‌گویند: خدا هزارویک اسم دارد، یکی از این اسماء اسم مستأثر حق متعال است که غیب مکنون است و خدا به خودش اختصاص داده و هزار اسم دیگر را ظهور داده است، و آن را درکنار نکته‌ای که درباره‌ی

---

<sup>۱</sup>. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۹۴ و ۹۶: جَاءَ نَقْرٌ مِنَ الْيَهُودِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ فَسَأَلَهُ ... لِأَيِّ شَيْءٍ سُمِّيَتْ مُحَمَّدًا وَ أَحْمَدَ ... فَقَالَ النَّبِيُّ:

«لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» گفتیم، بگذارید، معنی جدیدتری پیدا می‌شود. اسم مستأثر حق ظهورش انسان کامل است؛ لیلۃ‌القدر است. سایر اسماء ظهورشان سایر مخلوقات و موجودات است. لذا انسان کامل خیر است از همه‌ی موجودات دیگر؛ کما اینکه «لَيْلَةُ الْقَدْرِ» خیر است از همه‌ی ماه‌های دیگر؛ و اسم اعظم، اعظم است از سایر اسماء الله؛ و اسم مستأثر است؛ یعنی کسی از آن خبر ندارد و خدا به کسی جز پیغمبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نگفته است. فقط ایشان از آن اسم خبر دارد و به حقیقت اسم مستأثر راه پیدا کرده است؛ برای بقیه مخفی است. لذا «لَيْلَةُ الْقَدْرِ» هم در شب‌های سال مخفی است و متعین نیست و جز رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کسی به حقیقت آن پی نبرده است. به تعبیری می‌توان گفت «لَيْلَةُ الْقَدْرِ» لیله‌ی وصال نبی ختمی است؛ لیله‌ی وصول عاشق حقیقی به محبوب خود است.

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند	و اندر آن خلوت شب آب حیاتم دادند
بی‌خود از شعشعه‌ی پرتو ذاتم کردند	باده از جام تجلی صفاتم دادند
چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی	آن شب قدر که این تازه براتم دادند

لیله‌ی قدر، لیله‌ی کشف تام محمدی است؛ لیله‌ی مکاشفه‌ی رسول اکرم و ائمه‌ی هدی صلوات‌الله‌علیهم‌جمعین است. هر سالکی هم در سیر خود لیلۃ‌القدری دارد. این لیلۃ‌القدر، لیلۃ‌القدر زمانی نیست. در مورد حقیقت لیلۃ‌القدر صحبت می‌کنیم که حقیقت لیلۃ‌القدر غیر از صورت ظهورش در عالم زمان و عالم ملک است. سالک در سلوک خود وقتی به مقصد می‌رسد، لیلۃ‌القدرش فرا رسیده است؛ هر وقت به وصل محبوب رسید، لیلۃ‌القدر او فرا رسیده است.

لیله‌القدر شخص غافل کی می‌رسد؟ وقتی به یقظه برسد و سرنوشت او عوض شود. وقتی که سرنوشت انسان عوض می‌شود؛ نقطه‌ی عطف زندگی و لیلۃ‌القدر اوست. زمانی که سالک به وصال برسد، آن شب برای او سرنوشت‌ساز است. غافل زمانی که به یقظه برسد، لیلۃ‌القدر اوست. انسان عاصی و گناهکار وقتی برسد به این که توبه‌اش قبول شده است، لیلۃ‌القدر اوست. مثل حرّریاحی که وقتی با آن حال عجیب و

غریب و منقلب داشت به سمت اباعبدالله علیه السلام می آمد، نمی دانست امام حسین علیه السلام او را می پذیرند یا نه. پسر و غلامش هم همراهش بودند. چکمه هایش را از پا بیرون آورده بود و به گردن آویزان کرده بود، سپرش را به پشتش انداخته بود، شمشیرش را کنار انداخته بود. نمی دانست ایشان او را می پذیرند یا نه؛ دل توی دلش نبود. لذا وقتی خدمت اباعبدالله علیه السلام نشست، سرش را پایین انداخت؛ چون به یاد آن همه بدی ها و جفاها که در حق اباعبدالله علیه السلام و اهل بیت و اصحابشان کرده بود، افتاد و شرمسار بود. بنابراین آنچه نقل کرده اند، اباعبدالله علیه السلام به او فرمودند: «**ارْزُقْ رَأْسَكَ يَا حُرٌّ**»: ای حرّ سرت را بالا بیاور. آن لحظه لیلۃ القدرش واقع شد. یقین کرد که ایشان او را پذیرفتند. لذا عاصی وقتی یقین کرد توبه اش پذیرفته شد، لیلۃ القدرش فرا رسیده است. آن گاه برایش روز شد، سرش را بالا آورد و خورشید جمال اباعبدالله علیه السلام را دید.

### لیالی و شب های قدر

لیلة القدر در عالم حقیقت، نه در عالم زمان، یک حقیقت است؛ یکی بیشتر نیست. حقیقت لیلۃ القدر در عالم طبع مظاهری دارد. این مظاهر برخی کامل ترند و برخی ناقص ترند؛ لذا مظاهر حقیقت لیلۃ القدر در عالم زمان می تواند متعدد باشد.

روشن شد که لیلۃ القدر در عالم حقیقت مخفی است؛ زیرا به حقیقت اسم اعظم حضرت حق، اسم مستأثر حضرت حق، کسی جز رسول ختمی و ائمه هدی علیهم السلام راه ندارد. اما علّت مخفی بودن لیلۃ القدر در عالم زمان چیست؟ چرا دقیقاً نگفتند کدام شب است؟ شاید یکی از رمزهایش این باشد که با توجه به روایات عجیبی که در فضیلت لیلۃ القدر داریم که عبادت در لیلۃ القدر چه آثار عجیبی دارد، وقتی نمی دانیم لیلۃ القدر چه شبی است، احتمال می دهیم که هریک از شب های سال لیلۃ القدر

باشد؛ این سبب می‌شود افراد برای درک لیلۃ‌القدر توفیق پیدا کنند شب‌های بیشتری از سال را احیاء بدارند و به عبادت بگذرانند.

احیاء یعنی عاشقی که خواب به چشمش نمی‌رود.

گویند بخواب تا به خوابش بینی      ای بی‌خبران چه جای خوابست مرا

احیاء یعنی راه پیدا کردن به خلوتگاه انس معشوق ازلی.

هر در که به هر کجاست، شب بر بندند      الا در دوست را که شب باز کنند

روایت شده است که حضرت موسی علیه السلام به خدای متعال عرض کرد: «إِلَهِي أُرِيدُ قُرْبَكَ. قَالَ: قُرْبِي لِمَنْ اسْتَيْقَظَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ»: خدایا قرب و نزدیکی تو را می‌خواهم. خداوند فرمود: قرب من برای کسی است که شب قدر را بیدار بماند. «قَالَ: إِلَهِي أُرِيدُ رَحْمَتَكَ. قَالَ: رَحْمَتِي لِمَنْ رَحِمَ الْمَسَاكِينَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ»: گفت: خدایا رحمت و مهربانی تو را می‌خواهم. فرمود: رحمت من برای کسی است که به مسکینان در شب قدر ترحم و مهربانی کند. «قَالَ: إِلَهِي أُرِيدُ الْجَوَّازَ عَلَى الصَّرَاطِ. قَالَ: ذَلِكَ لِمَنْ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ لَيْلَةَ الْقَدْرِ»: گفت: خدایا عبور راحت و آسان از پل صراط را می‌خواهم. فرمود: این برای کسی است که در شب قدر صدقه‌ای بدهد. (یادتان باشد امشب صدقه بدهید). «قَالَ: إِلَهِي أُرِيدُ مِنْ أَشْجَارِ الْجَنَّةِ وَ ثِمَارِهَا. قَالَ: ذَلِكَ لِمَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحًا فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»: گفت: خدایا از درخت‌ها و میوه‌های بهشتی می‌خواهم. فرمود: این برای کسی است که در شب قدر تسبیح خدا را بگوید. «قَالَ: إِلَهِي أُرِيدُ النَّجَاةَ مِنَ النَّارِ. قَالَ: ذَلِكَ لِمَنْ اسْتَغْفَرَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»: عرض کرد: خدایا می‌خواهم از آتش دوزخ نجات پیدا کنم. فرمود: این برای کسی است که در شب قدر استغفار کند. «قَالَ: إِلَهِي أُرِيدُ رِضَاكَ. قَالَ: رِضَايَ لِمَنْ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»: <sup>۳</sup>گفت خدایا می‌خواهم به رضای تو نائل شوم و تو از من راضی شوی. فرمود: رضایت من برای کسی است که دو رکعت نماز در شب قدر بخواند. (شاید مقصود همین نماز دو رکعتی باشد که برای لیالی قدر وارد

<sup>۲</sup>. سیدین طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۳۴۵؛ حرّ عاملی، وسائل‌الشیعة، ج ۸، ص ۲۰.

شده است که در هر رکعت آن یک حمد و هفت توحید خوانده می‌شود و بعد از پایان نماز هفتاد بار **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ** گفته می‌شود. که هم نماز است و هم استغفار.<sup>۴</sup>

چنان که گفتیم در لیلۃ القدر آثار عبادات عجیب است. از پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده است: **«مَنْ قَامَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ إِيْمَانًا وَ احْتِسَابًا غُفِرَ (غَفَرَ) لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ»**:<sup>۵</sup> کسی که از سر ایمان و اخلاص شب قدر را زنده بدارد و به عبادت قیام کند، همه‌ی گناهان گذشته‌ی او یک‌جا بخشیده می‌شود. وقتی لیلۃ القدر این همه فضیلت دارد انسان تلاش می‌کند لیلۃ القدر را از دست ندهد؛ و چون زمان آن را مشخص نکرده‌اند، [شب‌های متعددی را که احتمال می‌دهد لیلۃ القدر باشند، به عبادت احیاء می‌دارد]. لذا بعضی از بزرگان تمام شب‌های سال را احیاء می‌گرفتند تا لیلۃ القدر که یکی از شب‌های سال است، از دستشان نرود. ببینید مخفی بودن آن چه خاصیتی دارد؟! اقلش این است که بعضی افراد تمام شب‌های ماه رمضان را و بعضی دست‌کم شب‌هایی را که احتمال لیلۃ القدر دارد، احیا می‌گیرند؛ یعنی شب نیمه‌ی شعبان و شب نوزدهم و بیست‌ویکم و بیست‌وسوم و بیست‌وهفتم ماه رمضان و شب عید فطر که شب اول ماه شوال است. پس مخفی بودن لیلۃ القدر باعث می‌شود شب‌های بیشتری به عبادت مشغول شوند.

سایر امور معنوی نیز همین‌گونه است. رضایت الهی در بین طاعات خدا مخفی است و لذا انسان سعی می‌کند همه‌ی طاعات را انجام دهد تا طاعتی را که سبب رضایت خداست، انجام داده باشد. غضب خدا در بین معاصی مخفی است؛ لذا انسان سعی می‌کند از همه‌ی معاصی پرهیز کند تا از معصیتی که سبب غضب خداست، مصون مانده باشد. زمان مرگ در بین ساعات عمر مخفی است؛ لذا انسان سعی می‌کند در همه‌ی ساعات عمر برای مردن آمادگی داشته باشد. ساعت اجابت دعا در بین ساعات

<sup>۴</sup> سیّدین طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۱۸۶؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۲۰.

<sup>۵</sup> صدوق، فضائل الاشهر الثلاثة، ص ۱۳۶ و حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۳۵۹.



شبانه روز مخفی است؛ انسان سعی می کند در بین همه ی ساعات حال دعا داشته باشد. اسم اعظم خدا در بین اسماء الله مخفی است؛ لذا انسان سعی می کند حرمت همه ی اسماء را حفظ کند تا حرمت اسم اعظم حفظ شده باشد. حدیثی از امیرالمؤمنین است قریب به این مضمون که خداوند رضایت خود را در بین طاعات مخفی کرد؛ پس هیچ یک از طاعات الهی را کوچک نشمارید تا موفق شده باشید طاعتی را که سبب رضایت حق است انجام دهید. سخط خود را در بین معاصی مخفی کرد؛ پس هیچ معصیتی را کوچک نشمارید؛ چون ممکن است همان معصیت سبب سخط باشد. اجابت را در دعاها مخفی کرد؛ پس هیچ دعایی را کوچک نشمارید تا دعایی که موجب اجابت است از دستتان نرود. ولی خود را در بین عباد خود مخفی کرد؛ پس هیچ یک از بندگان خدا را کوچک نشمارید تا ولی خدا را هم بزرگ داشته باشید.<sup>۶</sup>

بنا به روایات، لا اقل سه شب، یعنی شب های نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم ماه رمضان در مقدرات ما سهم دارند. بنا به برخی روایات، شب نوزدهم شب اندازه گذاری و تقدیر است. شب بیست و یکم شب قضاء و حکم کردن است. شب بیست و سوم شب ابرام و تثبیت است؛<sup>۷</sup> شبی است که حکم های صادر شده تثبیت می شود و دیگر تغییر نمی کند. بنا به روایت دیگری، شب نوزدهم، شب تقدیر است؛ یعنی اندازه ها مشخص می شود؛ رزق، عمر و هر چیز دیگر؛ شب بیست و یکم شب ابرام است؛ یعنی بر آن تأکید می شود و شب بیست و سوم شبی است که امضاء می شود؛<sup>۸</sup> مثل نامه ای که اول محتوای آن مشخص می شود. بعد پیش نویس برایش تهیه می کنند و آنگاه متن نامه امضاء می شود.

---

<sup>۶</sup> صدوق، خصال، ج ۱، ص ۲۰۹: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَخْفَى أَرْبَعَةَ فِي أَرْبَعَةِ أَخْفَى رِضَاهُ فِي طَاعَتِهِ فَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ شَيْئاً مِنْ طَاعَتِهِ قَرَّبْنَا وَافَقَ رِضَاهُ وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ وَ أَخْفَى مَعْصِيَتَهُ فِي مَعْصِيَتِهِ فَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ شَيْئاً مِنْ مَعْصِيَتِهِ قَرَّبْنَا وَافَقَ سَخَطُهُ مَعْصِيَتَهُ وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ وَ أَخْفَى إِجَابَتَهُ فِي دَعْوَتِهِ فَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ شَيْئاً مِنْ دُعَائِهِ قَرَّبْنَا وَافَقَ إِجَابَتَهُ وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ وَ أَخْفَى وَلِيَّتَهُ فِي عِبَادِهِ فَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ عَبْدًا مِنْ عِبَادِ اللَّهِ قَرَّبْنَا يَكُونُ وَلِيَّةً وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ.

<sup>۷</sup> کلینی، کافی، ج ۴، ص ۱۶۰.

<sup>۸</sup> کلینی، کافی، ج ۴، ص ۱۵۹.



اینجا نامه صادر شده و کار تمام شده است. لذا گمان نکنید لیلة القدر [فقط] یک شب است و در نتیجه شب‌های دیگر بیهوده عبادت می‌کنیم؛ نه، بنا به روایات، لا اقل این سه شب، هر سه در مقدرات ما تأثیر دارد؛ ضمن اینکه شب نیمه‌ی شعبان هم قطعاً تأثیر دارد؛ شب عید فطر هم قطعاً تأثیر دارد؛ آنها هم تأثیرات خاصّ خود را دارند؛ هریک در سرنوشت انسان سهمی دارند.

اینکه از شب‌های متعددی به عنوان لیالی قدر نام برده می‌شود و در روایات هم مؤیداتی بر آن هست، به یک لحاظ به این علّت است که حقیقت لیلة القدر در عالم بالا، مظاهری در عالم پایین یا عالم طبع و عالم زمان دارد که این مظاهر، مراتب مختلفی از نقص و کمال دارند و در نتیجه، می‌تواند شب‌های متعددی به نام لیالی قدر نام بگیرد. بعضی از آنها شکل اکملند، مثل شب بیست‌وسوم ماه مبارک رمضان؛ و بعضی از آنها شکل‌های نسبی‌تر و ناقص‌تری هستند. و اشاره کردیم که روایاتی هم وجود دارد که شب‌های متعدد را مطرح کرده‌اند. بعضی از این روایات را برایتان می‌خوانم.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «فِي لَيْلَةٍ تِسْعَ عَشْرَةَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ التَّقْدِيرُ وَ فِي لَيْلَةِ إِحْدَى وَ عَشْرِينَ الْقَضَاءُ وَ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ إِبْرَاهِيمَ مَا يَكُونُ فِي السَّنَةِ إِلَى مِثْلِهَا لِلَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ سَيَفْعَلُ مَا يَشَاءُ فِي خَلْقِهِ»<sup>۱</sup> در نوزدهم ماه رمضان تقدیر است؛ یعنی قدر و اندازه مشخص می‌شود؛ و در شب بیست‌ویکم حکم آن تقدیر صادر می‌شود؛ و در شب بیست‌وسوم، آن حکم در مورد آنچه تا مشابه این شب‌ها در سال آینده واقع می‌شود، ابرام و تثبیت می‌گردد. برای این فاصله، مقدرات مشخص می‌شود. بعد از آن هم اینگونه نیست که اختیار از خدا سلب شده باشد که بگوییم اگر خداوند در شب قدر چیزی را مقدر کرد، اختیار از او سلب می‌شود. هرچه بخواهد در آینده می‌کند؛ ولی بنا و اساس را گذاشته است. اما قدرت خدا همیشه فوق همه‌ی قرارها و قواره‌هاست.

روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده است که می‌فرمایند: «التَّقْدِيرُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ تِسْعَةَ عَشَرَ» (شاید کلمه‌ی الْقَدْرِ در عبارت روایت، اضافه نقل شده است.) «وَ الْإِبْرَاهِيمَ فِي لَيْلَةِ إِحْدَى وَ عَشْرِينَ وَ الْإِمْضَاءُ فِي

<sup>۱</sup> حویزی، نورالتقلین، ج ۵، ص ۶۲۷؛ کلینی، کافی، ج ۴، ص ۱۶۰؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۳۵۷.

لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ»: تعیین اندازه‌ها و تقدیر در شب نوزدهم، ابرام و تأکید کردن در شب بیست‌ویکم، و امضاء و جاری کردن در شب بیست‌وسوم است.

حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده است که می‌فرمایند: «فَانَّ فِي لَيْلَةِ تِسْعِ عَشْرَةَ «يَلْتَقِي الْجَمْعَانِ»<sup>۱۱</sup> وَ فِي لَيْلَةِ اِحْدَى وَ عِشْرِينَ «يُفْرَقُ كُلُّ امْرِ حَكِيمٍ»<sup>۱۲</sup> وَ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ يُمَضَى مَا ارَادَ اللّٰهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ ذَلِكَ وَ هِيَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ الَّتِي قَالَ اللّٰهُ عَزَّ وَ جَلَّ «خَيْرٌ مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ»<sup>۱۳</sup> در شب نوزدهم، آن دو چیز جمع شونده به هم می‌رسند و تلاقی می‌کنند؛ و در شب بیست‌ویکم هر امر مستحکمی تفکیک، تجزیه و مشخص می‌شود؛ و در شب بیست‌وسوم، خدای متعال آنچه از آن مقادیر را اراده فرماید، امضاء و جاری می‌کند؛ و این شب (شب بیست‌وسوم) شب قدر است؛ همان شب قدری که خدای تعالی فرمود از هزار ماه بهتر است. «قَالَ قُلْتُ: مَا مَعْنَى قَوْلِهِ يَلْتَقِي الْجَمْعَانِ؟ قَالَ: يَجْمَعُ اللّٰهُ فِيهَا مَا ارَادَ مِنْ تَقْدِيمِهِ وَ تَاخِيرِهِ وَ اِرَادَتِهِ وَ قَضَائِهِ»: راوی می‌گوید، پرسیدم: معنی این سخن خداوند که دو گروه جمع‌شونده به هم می‌رسند، چیست؟ فرمودند: مقصود این است که خدای متعال آنچه را اراده کرده عقب یا جلو بیندازد، و آنچه را خواسته یا بر آن حکم کرده، در آن شب فراهم می‌آورد و مشخص می‌کند. «قَالَ قُلْتُ: فَمَا مَعْنَى يُمَضَى فِي ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ؟ قَالَ: اِنَّهُ يُفْرَقُهُ فِي لَيْلَةِ اِحْدَى وَ عِشْرِينَ اِمْضَاؤُهُ وَ يَكُونُ لَهُ فِيهِ الْبَدَاءُ فَاِذَا كَانَتْ لَيْلَةُ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ اِمْضَاهُ فَيَكُونُ مِنَ الْمَحْتَمِ الَّذِي لَا يَدُو لَهُ فِيهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى»: <sup>۱۴</sup> می‌گوید عرض کردم: اینکه در شب بیست‌وسوم امضاء و جاری می‌کند، به چه معنی است؟ فرمودند: در شب بیست‌ویکم به صورت تفکیک شده حکم به جاری شدن آنها می‌کند؛ اما هنوز احتمال بداء کردن وجود دارد؛ یعنی چیزی که در شب بیست‌ویکم مشخص می‌شود، باز هم ممکن است تغییر

<sup>۱۰</sup> حویزی، نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۲۷؛ کلینی، کافی، ج ۴، ص ۱۵۹؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۳۵۴.

<sup>۱۱</sup> سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۶۶؛ سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۴۱: التَّقَى الْجَمْعَانِ.

<sup>۱۲</sup> سوره‌ی دخان، آیه‌ی ۴.

<sup>۱۳</sup> سوره‌ی قدر، آیه‌ی ۳.

<sup>۱۴</sup> حویزی، نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۲۶؛ کلینی، کافی، ج ۴، ص ۱۵۹؛ سیّدین طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۳۴۴.

بپذیرد؛ ولی هنگامی که شب بیست و سوم فرارسد خدای متعال آن چیز را امضاء و جاری می‌کند و از امور محتوم و حتمی پی می‌شود که خدای متعال در آن بدهاء نخواهد کرد.

می‌توان نقشه‌ی ساختمانی را در نظر گرفت که اول مهندس یک طرح کلی می‌کشد و حدّ و حدود و قواره‌های کلی را مشخص می‌کند؛ بعد آن نقشه را با جزئیات بیشتر ترسیم می‌کند؛ در پایان آن نقشه را امضاء می‌کند و قطعی می‌شود و دستور اجرای پروژه را می‌دهد. در هر مرحله، چیزهایی مشخص می‌شود. در نتیجه این‌گونه نیست که از بین سه شب احیاء فقط یک شب لیلة‌القدر باشد و بقیه‌ی شب‌ها هیچ خاصیت و تأثیری در مقدرات نداشته باشند. حتی شب نیمه‌ی شعبان هم تأثیر دارد.<sup>۱۵</sup> شاید مراحل اولیه‌ی این طراحی و قواره‌بندی در شب پانزدهم شعبان اتفاق می‌افتد؛ در شب نوزدهم و بیست و یکم جزئیات مشخص‌تر می‌شود و نهایتاً در شب بیست و سوم به صورت نهایی درمی‌آید و قطعی می‌شود.

از مجموعه‌ی روایات، تعدّد شب قدر را می‌توان استنباط کرد. بنابراین هر پنج شب نیمه‌ی شعبان، نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم ماه رمضان، و شب عید فطر را می‌توان مظاهر زمانی حقیقت لیلة‌القدر در عالم بالا تلقی کرد. منتهی اکمل این مظاهر، شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان است که «لَيْلَةُ الْجَنَّةِ»<sup>۱۶</sup> نامیده شده و روایات در نهایت ما را به سمت آن شب سوق داده‌اند. اهل بیت (علیهم‌السلام) ابتدا به سه شب نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم هدایت کردند. افرادی اصرار کردند یک شب معین شود، فرمودند: نوزدهم اگر به احیا موفق نشدید، عیبی ندارد؛ ولی اگر دو شب بیست و یکم و بیست و سوم را احیاء بگیرید، سخت نیست.<sup>۱۷</sup> عرب بیابان‌نشین به مدینه خدمت رسول الله ﷺ آمد و عرض کرد: شرایط من طوری است که جز یک شب نمی‌توانم به مدینه بیایم. فرمودند: با این اوصاف، شب

<sup>۱۵</sup> . مجلسی، بحار، ج ۴، ص ۱۵۸.

<sup>۱۶</sup> . حویزی، نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۲۷؛ کلینی، کافی، ج ۴، ص ۱۵۶.

<sup>۱۷</sup> . حویزی، نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۲۵؛ کلینی، کافی، ج ۴، ص ۱۵۶.

بیست‌وسوم را بیا و احیاء بگیر.<sup>۱۸</sup> این‌گونه به هدایت پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام بالاخره اکمل لیالی قدر مشخص می‌شود. اما همان‌طورکه بیان شد، نباید تصوّر کرد اگر شب بیست‌وسوم شب قدر باشد، شب‌های دیگر بی‌خاصیت و بی‌اثر است.

درمورد اینکه چرا شب قدر را مشخص و دقیق اعلام نکرده‌اند، تعبیر عارفانه‌ای هم وجود دارد. ولیّ اعظم خدا در هر زمان - که در عصر ما حضرت بقیّه‌الله آرواحنا لربّنا مقدّمه الفداء هستند- در سیر و سلوک خود دوره‌ای را طی می‌کند. در هر سال این سیر امام علیه‌السلام در یکی از شب‌های سه‌گانه‌ی ماه رمضان ختم می‌شود؛ یا در شب نوزدهم، یا بیست‌ویکم، یا بیست‌وسوم. در آن شب، ملائکه و روح بر ولیّ اعظم خدا نازل می‌شوند و آن شب قدر خواهد بود. لذا ممکن است یک‌سال لیلة‌القدر شب نوزدهم باشد؛ یک‌سال شب بیست‌ویکم؛ یک‌سال شب بیست‌وسوم.

تا اینجا درباره‌ی جنبه‌ی آفاقی لیلة‌القدر بحث کردیم؛ اینک قدری به جنبه‌ی انفسی لیلة‌القدر بپردازیم. همان‌طور که در بعد آفاقی، در مراتب قوس نزول، لیالی‌یی وجود دارد، در جهان درون و عوالم انفسی انسان هم لیالی‌یی وجود دارد. این لیالی باطنی مظاهر همان لیالی عالیّه در عالم وجود هستند. هر مرتبه از مراتب وجودی انسان نسبت‌به مرتبه‌ی بالاتر از خود، لیل است؛ و نسبت‌به مرتبه‌ی پایین‌تر از خود، یوم است. برخی از این لیل‌ها ویژگی فوق‌العاده‌ای دارند؛ و لذا ظهور شدیدتری هم دارند. بنابراین، مصادیق لیلة‌القدر در باطن هم روشن شد و معلوم شد که چگونه در باطن هم می‌تواند لیالی قدر مطرح باشد.

«وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ؟ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ».

<sup>۱۸</sup>. حویزی، نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۲۸؛ کلینی، کافی، ج ۴، ص ۱۵۶؛ نام این شخص عبدالله بن انیس الانصاری الجهنی بوده است.

خداوند، نه به من و شما، به پیغمبر خاتم، به رسول الله، به اسم اعظم خودش ﷺ می فرماید: تو چه می دانی لیلۃ القدر چیست! ترجمه‌ی دقیق‌تر آن این است: چه چیزی به تو فهماند لیلۃ القدر چیست؟ یعنی چیزی وجود نداشت که به تو بفهماند. برخی تسامحاً این‌گونه هم ترجمه می‌کنند: چه کسی به تو فهماند؟ یا تو اصلاً چه می‌دانی لیلۃ القدر چیست؟ یعنی حقیقت لیلۃ القدر اصلاً قابل بیان نیست؛ اصلاً با الفاظ و حروف نمی‌توان آن را بیان کرد؛ اصلاً نمی‌تواند در ظرف الفاظ و حروف بیاید. وقتی می‌خواهیم آن را در این ظرف بریزیم، کوچک می‌شود و دیگر آن حقیقت نیست. همه‌ی این الفاظی که تا اینجا بیان کردیم کجا، و لیلۃ القدر کجا؟ آن حقایق تنزیل پیدا کرد تا به صورت لفظ درآمد و به شما رسید. «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ؟» آن قدر عظیم است که به بیان در نمی‌آید؛ به لفظ در نمی‌آید و در نتیجه، اصلاً قابل تفهیم بیانی نیست. لذا بعد از اینکه فرمود «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ؟» در ادامه‌ی سوره نفرمود حال که تو نمی‌دانی، بیا من برایت بگویم که لیلۃ القدر چیست. بلکه شروع کرد به بیان خواص و آثار لیلۃ القدر. خود لیلۃ القدر را نگفت که چیست؛ فرمود: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ».

لیلۃ القدر در باطن و حقیقت، به اصطلاح عرفاً بُنیه و صورت مُلکی یا عین ثابت محمدی ﷺ است که جلوه‌ی اسم اعظم و تجلی‌ی احدی جمعی الهی است. لذا تا هنوز آثاری از خودی عبدِ سالک، یعنی رسول خاتم ﷺ برجاست، آن حقیقت و آن باطن را نمی‌تواند مشاهده کند. وقتی از خودی درآمد، دیگر او نیست که مشاهده می‌کند. چه کسی است که مشاهده می‌کند؟ نمی‌دانیم. «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ؟» اشاره به این نکته دارد؛ یعنی تا جنبه‌ی هویت رسول‌اللهی رسول الله ﷺ باقی است، مشاهده‌ی حقیقت لیلۃ القدر دسترسی‌پذیر نیست؛ پس بیان‌شدنی نیست و به لفظ در نمی‌آید. لذا خدا هم به توضیح لفظی پرداخت. به سراغ خاصیت‌های لیلۃ القدر رفت تا اندکی ما را متوجه عظمت آن کند. فرمود: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»: شب قدر از هزار ماه بهتر است.

اینکه به چه لحاظ هزار ماه گفته شده است، در روایات به گونه‌های مختلفی نقل شده است. بنا به روایتی، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در خواب دیدند بوزینه‌هایی از منبر ایشان بالا می‌روند. آن بوزینگان بنی‌امیه بودند که پس از پیغمبر صلی الله علیه و آله حاکم می‌شدند و از منبر آن حضرت بالا می‌رفتند و مردم را گمراه و اغواء می‌کردند. حضرت رسول صلی الله علیه و آله وقتی از خواب برخاستند، از اینکه چنین اتفاقی خواهد افتاد، به شدت محزون بودند. خدای متعال در تسلی این حزن و اندوه رسول الله صلی الله علیه و آله سوره‌ی قدر را نازل کرد و فرمود: *من لیلۃ القدری به تو و به امت تو عطا می‌کنم که از الف شهر یعنی از هزار ماه برتر است. دوره‌ی حکومت بنی‌امیه درست هزار ماه شد. فرمود: ای پیغمبر ما محزون نباش؛ به تو لیلۃ القدری عطا می‌کنم که از هزار ماه دوران حکومت بنی‌امیه ارزشمندتر است.*<sup>۱۹</sup> خداوند لیلۃ القدر را به جای آن هزار ماه عطا کرد؛ هزار ماهی که لیلۃ القدر در آن نیست. چون اگر در آن ماه‌ها نیز لیلۃ القدر باشد، این مقایسه بی‌معناست. یک شب قدر از هزار ماهی که در آنها شب قدر وجود ندارد بهتر است. ماه‌هایی که در آن لیلۃ القدر وجود ندارد، لیلی بنی‌امیه است، چه در عالم باطن و چه در عالم ظاهر. در عالم طبع یا طبیعت و در عالم اجنه و شیاطین لیلۃ القدر وجود ندارد و این دو عالم، یعنی عالم طبع و عالم اجنه و شیاطین، همان عوالم بنی‌امیه‌اند. مقصود از ماه‌های منسوب به بنی‌امیه که گفته شده است در آنها لیلۃ القدر وجود ندارد، همین دو عالم است.

بنا به یک روایت، برای پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شد که عابد بزرگی، شمسون نام، در بنی‌اسرائیل بود که هزار ماه شمشیر بر دست، در راه خدا قیام کرد. وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله این را شنیدند، به خداوند عرضه داشتند: ای کاش برای امت من هم چنین چیزی امکان‌پذیر بود. اما عمرهایی که برای امت من قرار دادی، کوتاه‌تر از آن است که کسی بتواند هزار ماه (نزدیک هشتاد و چهار سال) جهاد کند یا آماده‌ی قیام باشد؛ در نتیجه نمی‌توانند مثل آن عابد بنی‌اسرائیل عمل زیادی داشته باشند. پیامبر آرزو

---

<sup>۱۹</sup>. حویزی، نورالتقلین، ج ۵، ص ۶۲۲؛ کلینی، کافی، ج ۴، ص ۱۵۹.



کردند فضیلت آن عابد برای امت اسلام قابل دستیابی باشد. در روایت است که بعد از این آرزو، خدای متعال سوره‌ی قدر را نازل کرد و فرمود: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»؛ شب قدر از هزار ماهی که عابد بنی‌اسرائیل شمشیر برداشت و در راه خدا جهاد کرد، بالاتر است. اگر امت تو همین یک شب را در مسیر بندگی و طاعت حق قیام کنند، ارزش آن بیشتر از هزار ماه قیام و جهاد آن عابد است.<sup>۲۰</sup> ارزش بیشتر یعنی سازندگی بیشتر. به برکت پیغمبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رشد معنوی این امت در عبادت شب قدر، بیشتر از رشد معنوی آن عابد در هزار ماه، یعنی هشتاد و چهار سال است.

اشاره کردیم که **أَلْف** (هزار) عدد کامل است و عدد کامل از کثرت حکایت می‌کند؛ و **شَهْر** (ماه) اشاره است به انواع موجودات. بنابراین **أَلْفِ شَهْرٍ** یعنی همه‌ی مخلوقات. **لَيْلَةُ الْقَدْرِ** هم چنانکه گفتیم، ولی اعظم خداست؛ انسان کامل است؛ بُنیه‌ی شریفه‌ی محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. حال می‌توان فهمید که «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» یعنی ولی اعظم خدا، انسان کامل از همه‌ی موجودات بهتر است.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به اعتبار بطون و مخفی بودن اسم اعظم در وجودشان، و محتجب بودن حق با همه‌ی شؤونش در وجودشان، **لَيْلَةُ الْقَدْرِ** هستند. چون حق در ایشان مخفی است، لیل است؛ شب مخفی است. و به اعتبار اینکه شمس حقیقت از وجود پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ظهور کرد و اسم جامع حق متعال از افق تعین رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طالع، بارز و ظاهر شد، وجود رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ **يَوْمُ الْقَدْرِ** است. به اعتبار مخفی شدن، **لَيْلَةُ الْقَدْرِ** و به اعتبار ظاهر شدن **يَوْمُ الْقَدْرِ** است؛ کما اینکه پیغمبر هم **يَوْمُ الْقَدْرِ** هستند و هم **يَوْمُ الْقِيَامَةِ**. قامت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قیامت است.

**شَهْر** یا ماه از روزها پدید می‌آید؛ مبدأ **شَهْر**، **يَوْم** است. لذا مبدأ همه‌ی اسماء، اسم اعظم است. و مبدأ همه‌ی مخلوقات، وجود مقدس پیغمبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است.

---

<sup>۲۰</sup>. حویزی، نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۱۵.



حال که فهمیدیم لیلۃ القدر با حقیقت انسان کامل چه سنخیتی دارد و اینکه جنبه‌ی استجنان و مخفی بودن حقیقت اسم اعظم در وجود انسان کامل سبب می‌شود که از ایشان به لَیْلَةُ الْقَدْرِ تعبیر کنیم، آیات و روایاتی که اشاره دارد به اینکه لَیْلَةُ الْقَدْرِ وجود مقدس فاطمه‌ی زهرا علیها السلام است، هم معنا می‌شود. چند نمونه از این آیات و روایات را برایتان می‌خوانم.

خداوند در سوره‌ی قدر می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»، و در سوره‌ی دخان می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ»؛<sup>۲۱</sup> پس لَیْلَةُ الْقَدْرِ لیله‌ی مبارکه است. از طرفی مبارکه یکی از اسماء حضرت زهرا علیها السلام است. این شاهد قرآنی بحث.

و اما شاهد روایی. امام صادق علیه السلام فرمودند: «اللَّيْلَةُ فَاطِمَةٌ وَ الْقَدْرُ اللَّهُ»: لیله فاطمه است و قدر الله است. بنابراین لَیْلَةُ الْقَدْرِ یعنی فاطمه‌ی خدا. سپس فرمودند: «مَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ»: هرکس فاطمه را آن‌گونه که حق معرفت فاطمه است، بشناسد، لَیْلَةُ الْقَدْرِ را درک کرده است. چون لَیْلَةُ الْقَدْرِ را باید درک کرد و حقیقتی است که باید به آن واصل شد. کسی که به معرفت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام نائل شود، در واقع، به لَیْلَةُ الْقَدْرِ نائل شده است؛ چون فاطمه علیها السلام خود لَیْلَةُ الْقَدْرِ است. آن حقیقت اعظم در وجود فاطمه علیها السلام مُسْتَجِنٌّ و مخفی است و لذا فاطمه علیها السلام لَیْل است. روایات متعددی داریم که فرمودند مقصود از لَیْل در قرآن، فاطمه‌ی زهرا علیها السلام است؛ چون مخفی است؛ سرّ عالم وجود است. در ادامه‌ی روایت است که امام صادق علیه السلام فرمودند: «إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا»؛<sup>۲۲</sup> نام

<sup>۲۱</sup>. سوره‌ی دُخان، آیه‌ی ۳.

<sup>۲۲</sup>. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۶۵؛ کوفی، تفسیر فرات، ص ۵۸۱. در ادامه‌ی این حدیث آمده است: وَ قَوْلُهُ وَ مَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ يَعْنِي خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ مُؤْمِنٍ وَ هِيَ أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ؛ تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا وَ الْمَلَائِكَةُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ يَمْلِكُونَ عِلْمَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ الرُّوحُ الْقُدُسُ هِيَ فَاطِمَةُ؛ يَأْذِنُ رَبُّهُمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى تَطْلُعَ الْفَجْرُ يَعْنِي حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ.

دختر پیامبر فاطمه نهاده شد؛ زیرا همه‌ی مخلوقات از معرفت او بریده شدند.<sup>۲۳</sup> راهی به معرفت

فاطمه علیها السلام نیست؛ همان‌طور که لیلۃ‌القدر برای خلق قابل دستیابی نیست: «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ».

در روایت دیگری است که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «وَأَمَّا قَوْلُهُ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ يَعْنِي

فَاطِمَةً»: <sup>۲۴</sup> این سخن خداوند که فرمود شب قدر از هزار ماه بهتر است، یعنی فاطمه.

این روایات از امام صادق علیه السلام بود. حال از پدر بزرگوار آن حضرت، امام باقر علیه السلام نیز روایتی نقل کنیم؛

فرمودند: «إِنَّ فَاطِمَةَ هِيَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ»: <sup>۲۵</sup> فاطمه همان شب قدر است.

در کتاب الحجّة کافی، باب مولد امام کاظم علیه السلام، حدیثی طولانی روایت شده است که بخشی از آن را نقل

می‌کنیم. فردی نصرانی خدمت امام موسی کاظم علیه السلام می‌رسد و از ایشان می‌پرسد: «حَمٌّ وَالْكِتَابِ

الْمُبِينِ؛ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ؛ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ»؛ <sup>۲۶</sup> ما تَفْسِيرُهَا فِي الْبَاطِنِ؟؛ تفسیر

باطنی این آیات سوره‌ی دخان چیست؟ از همین جا پی می‌بریم که آیات قرآن تفسیر باطنی هم دارند

که آن را تأویل یا تأویل عرفانی می‌نامند. «فَقَالَ: أَمَّا حَمٌّ فَهُوَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ فِي كِتَابِ هُودٍ الَّذِي أَنْزَلَ

عَلَيْهِ وَهُوَ مَنْقُوصُ الْحُرُوفِ» حضرت فرمودند: حم همان پیغمبر اسلام، حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و

اسم پیغمبر اسلام با لفظ حم در کتاب هود که بر او نازل شد، آمده است و حروفی که آن کتاب با آن

نازل شده، ناقص است؛ یعنی حروف کتاب هود علیه السلام به کمال حروف عربی نیست یا حم با حروف ناقص

ذکر شده است. «وَأَمَّا الْكِتَابِ الْمُبِينِ، فَهُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام» و اما کتاب مبین همان امیرالمؤمنین

<sup>۲۳</sup> . قَطْمٌ بِهِ مَعْنَى بَازِغْرِفْتِن وَ بَرِيدِن بَجَهِّهِ مِنْ شِيرِ اسْتِ.

<sup>۲۴</sup> . مَجْلَسِي، بَحَارِ الْأَنْوَارِ، ج ۲۵، ص ۹۷؛ اسْتِرْآبَادِي، تَأْوِيلِ الْآيَاتِ، ص ۷۹۱.

<sup>۲۵</sup> . فِرَاتِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ كُوفِي، تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ، تَفْسِيرِ سُورَةِ قَدْرِ.

<sup>۲۶</sup> . سُورَةِ دَخَانِ، آيَاتِ ۱-۴.

علی علیه السلام است. (در سوره‌ی یس هم مقصود از **إمام مبین**<sup>۲۷</sup> امیرالمؤمنین علیه السلام است.<sup>۲۸</sup>) «وَأَمَّا اللَّيْلَةُ فَفَاطِمَةُ

وَأَمَّا قَوْلُهُ: فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ، يَقُولُ: يَخْرُجُ مِنْهَا خَيْرٌ كَثِيرٌ، فَرَجُلٌ حَكِيمٌ، وَرَجُلٌ

حَكِيمٌ»:<sup>۲۹</sup> و اما شب، فاطمه است و این سخن خداوند که فرمود: در آن شب هر امر مستحکم و

حکیمی به صورت تفکیک، ایجاد و مشخص می‌شود، یعنی از فاطمه خیر کثیری خارج می‌شود؛ مرد

حکیمی و پس از او مرد حکیمی و پس از او مرد حکیمی.

بنابراین، روایات متعددی وجود دارد که حقیقت فاطمی علیه السلام را با حقیقت لیلَةُ الْقَدْرِ یکی دانسته‌اند؛ که

به ذکر چند نمونه از آنها اکتفا شد.

در همین ارتباط، با استفاده از یک تعبیر قرآنی نیز می‌توان برداشت تمثیلی کرد. خداوند راجع به

نزول قرآن فرمود: «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ»:<sup>۳۰</sup> روح‌الامین یا جبرئیل قرآن را بر قلب تو نازل کرد.

بنابراین تخم وحی در زمین قلب رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم کاشته شد؛ از آن چه روید؟ پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

فرمودند: «فَاطِمَةُ نَمْرَةٌ فُؤَادِي»:<sup>۳۱</sup> فاطمه میوه‌ی دل من است.

شاید به لحاظی هم، لیلَةُ الْقَدْرِ یعنی شب حسابرسی و سنجش. دو دهه از ماه رمضان گذشته است. ماه

مبارک اهدافی را دنبال می‌کرد؛ روزه‌ی ماه مبارک می‌خواست چیزهایی را در وجود انسان محقق

کند. اگر صیام بود، می‌خواست تقوا ایجاد کند، اگر صبر بود، می‌خواست جهاد اکبری بشود و سالک را

به موت نائل کند، و اگر سیاحت بود، می‌خواست سالک الی الله را به مقام شهود برساند. چون روزه به

هر سه تعبیر در قرآن کریم ذکر شده است. از روزه هم تعبیر به صیام شده است: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ

<sup>۲۷</sup>. سوره‌ی یس، آیه‌ی ۱۲.

<sup>۲۸</sup>. صدوق، امالی، ص ۱۷۰ و معانی الاخبار، ص ۹۵.

<sup>۲۹</sup>. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۷۹؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۳۱۹.

<sup>۳۰</sup>. سوره‌ی شعراء، آیات ۱۹۳ و ۱۹۴.

<sup>۳۱</sup>. مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۴۳ و ج ۴۳، ص ۲۴؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۵۱.

الصِّيَامُ»<sup>۳۲</sup> و هم تعبیر به صبر شده است: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»<sup>۳۳</sup> و هم تعبیر به سیاحت شده است: «وَالسَّائِحُونَ وَالسَّائِحَاتِ»<sup>۳۴</sup> پس روزه ماه رمضان این هدف‌های بزرگ را داشت. روزه می‌خواست انسان را به این مراتب برساند. روزه می‌خواست انسان را انسان با تقوا کند: (لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ)<sup>۳۵</sup> انسان با تقوا یعنی انسانی که کنترل بر نفس دارد. اگر یک ماشین سرعتش خیلی زیاد شود، کنترل آن از اختیار راننده خارج می‌شود و دیگر این راننده نیست که ماشین را راه می‌برد؛ ماشین است که راننده را راه می‌برد. راننده برای اینکه بتواند دوباره کنترل ماشین را به دست بگیرد، باید ترمز بزند و سرعت را پایین بیاورد. ما گاهی اوقات در جنبه‌های جسمانی، نفسانی، شهوانی و غضبیمان طوری افراط می‌کنیم که آنها کنترل ما را به دست می‌گیرند. ما دلمان نمی‌خواهد جایی که آنها ما را می‌برند، برویم؛ اما دیگر کنترلمان دست خودمان نیست. شهوت دارد ما را می‌برد؛ غضب دارد ما را می‌برد. برای اینکه دوباره کنترل خود را به دست آوریم، باید ترمز بزنییم. ماه رمضان ماه ترمز زدن است. می‌گوید: نخور؛ نیشام؛ با محرم خودت هم نزدیکی نکن و ... حتی چیزهایی را که حلال هم هست، استفاده نکن. چون سرعتت طوری شده که راحت می‌روی تو حرام‌ها؛ کنترلت دست خودت نیست. خودت هم زجر می‌کشی، اما نمی‌توانی؛ زورت به خودت نمی‌رسد. تقوا یعنی این کنترل داشتن بر خود. این اقل فایده‌ی روزه به معنای صیام است.

صبر ناظر بر جهاد اکبر، جهاد با نفس است. فرد اگر به این میدان وارد شده و پیروز شود، به موت می‌رسد و وقتی به موت رسید، از عالم مُلک خارج می‌شود و سر از ملکوت عالم در می‌آورد؛ لذا از آن

<sup>۳۲</sup> . سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۸۳.

<sup>۳۳</sup> . سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۴۵.

<sup>۳۴</sup> . سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۱۲.

<sup>۳۵</sup> . سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۸۳.

پس ملکوت عالم را خواهد دید. در مرحله‌ی روزه به معنای صبر اگر به موفقیت دست پیدا کند، به چنین ثمراتی خواهد رسید.

اگر در مرحله‌ی روزه به معنای سیاحت به موفقیت رسید و پیروز شد، قیامت عظمای انفسیه‌اش برپا می‌شود.<sup>۳۶</sup> و به شهود خود حقّ متعال نائل می‌شود؛ نه ملکوت و جبروت عالم. ملکوت را پس از پیروزی در جهاد اکبر دیده بود و جبروت را زمانیکه قیامت کبرای وجودش برپا شده بود، دیده بود. وقتی در جهاد اکبر پیروز شد، قیامت وسطای انفسیه‌اش برپا شد و وقتی قیامت کبرایش برپا شد، جبروت را هم دید و با جبروتیان هم افق شد. اما مرحله‌ی سیاحت مرحله‌ای است که قیامت عظمای انفسیه‌اش برپا شده و حالا خود حقّ متعال را دارد می‌بیند و به شهود حقّ متعال نائل شده است. لذاست که در حدیث داریم: «لَلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ: فَرْحَةٌ عِنْدَ الْإِفْطَارِ وَ فَرْحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ (عِنْدَ لِقَاءِ اللَّهِ)»<sup>۳۷</sup> برای روزه‌دار دو خشنودی و شادمانی وجود دارد. یکی خشنودی در لحظه‌ی افطار، و دیگری لحظه‌ی لقاء خداوند عزوجل. شما یک بار به میهمانی می‌روید که از پذیرایی‌ها استفاده کنید و یک بار هم می‌روید که صاحب‌خانه را ببینید. در ضیافت الله هر دوی اینها نصیب می‌شود؛ هم «فَرْحَةٌ عِنْدَ الْإِفْطَارِ» که پذیرایی می‌شوی و هم «فَرْحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ اللَّهِ» که صاحب‌خانه را می‌بینی. خوشا به حالت! لیلۃ‌القدر زمانی است که بنشیننی حساب کنی، اندازه بگیری، ببینی اینگونه شدی؟ بیست روز از ماه رمضان گذشت؛ چه شدی؟ به کجا رسیدی؟ عزیز دل من! سر از کجا درآوردی؟ لذا یک معنای لیلۃ‌القدر هم می‌تواند این باشد.

---

<sup>۳۶</sup> . یک قیامت صغری، یک قیامت وسطی، یک قیامت کبری و یک قیامت عظمی وجود دارد. (ن.ک. به: مهدی طیب، شراب طهور،

ص ۴۳-۴۵.

<sup>۳۷</sup> . کلینی، کافی، ج ۴، ص ۶۵ و صدوق، خصال، ج ۱، ص ۴۴.

به تعبیر دیگری لیلۃ القدر وقتی است که قدّ و اندازه‌ی خودت را اندازه گرفتی و مقایسه کردی با انسان کامل. لیلۃ القدر لیلۃ‌ای است که هر سالکی، هر مؤمنی و هر انسانی به قدر و عظمت مقام انسانیت، عارف می‌شود. وقتی به آن قدر پی برد و قدر انسانیت خود را شناخت، آن را با قد و اندازه‌ی امروز خود مقایسه کند؛ ببیند چه کرده؛ چقدر توانسته از این فرصت گران‌بها بهره ببرد.

امیدواریم خدا توفیق دهد این لیلۃ القدر را لیلۃ القدر واقعی کنیم. یعنی حقیقت لیلۃ القدر را که خدا توفیق داد اندکی و بسیار ناقص و دست و پا شکسته، به آن اشاره کنم، دریابیم؛ درنگ کنیم؛ و الاّ چقدر ماه رمضان‌های متعدد بر ما گذشت؛ این ماه رمضان هم مثل آنها. اینکه ماه رمضان بر ما بگذرد، کاری نمی‌شود عزیز دلم! چقدر حقیقت ماه رمضان در وجود ما محقق شد؟ چقدر اهداف ماه رمضان در وجودمان محقق شد؟ لذاست که می‌گویند در لیلۃ القدر می‌توانی گذشته‌ات را جبران کنی. فرصت از دست رفته قابل جبران است. بهره نبرده‌ای؟ از دست رفت؟ می‌بینی مفت باخته‌ای؟ خیلی ضرر کرده‌ای؟ راه باز است عزیزم! «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ». بیا؛ در لیلۃ القدر هم‌اش جبران می‌شود.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ